

در ۲۵ کیلومتری سیوراب
با شاهای سری
قرن دهم میلادی

شاهک - بنان
قرن دوازدهم میلادی

تاسوم

میون شرقی

بارای شرقی

شراسوانگ

پروویون

باستانهای استامپ
اوایل قرن دوازدهم

تاپروهم

قرن دوازدهم میلادی

پناهه آی کدی

پراسان گراوان

در ۱۸ کیلومتری سیوراب، معابد

با کونگ و پراه کوه، آخر قرن نهم میلادی

Tangay de Rémur

هماهنگی بین معماری شهر، آب و برنجزار

شاهکاری از تعادل زیستی

نوشته هانری اشتیرلین

در این چشمانداز، محوطه آنگکور (به معنای مشیره) دیده می‌شود که اکنون توسط جنگل کاملاً درمیان گرفته شده است. این شهر که از قرن نهم تا سیزدهم پایتخت امپراتوری خمر بود، ۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۶۰۰ معبد داشت که در حدود یکصد عدد آنها تاکنون از میان گیاهان انبوه پدید آمده‌اند. مهمتر نشان در تصور بالادیده می‌شوند. خوشبختی و رفاه آنگکور در ارتباط با ایضاد پت سیستم معجزه‌آسای آبیاری بود که توسط خمرها برای تولید برنج تنظیم و اجرا شد. و آن عبارت از دریاچه‌های مصنوعی یا «بارای‌های» بود که آب را در فصل باران ذخیره می‌کردند. و مجموعه‌ای از «بارای» که امکان می‌داد مساحتی تا ۱۰۰۰ کیلومتر مربع را آبیاری کنند، و بدین ترتیب تغذیه نفوسی میسر می‌گشت که تعداد آنان در دوره اوج خود به یک میلیون نفر می‌رسید (جریان آب در تصویر بالا با رنگ سفید مشخص شده است). در آنگکور معماری و هنر خمر، نامنه و شکوه بی‌ظنیری یافت.

هانری اشتیرلین «Henri Stierlin»، نویسنده و فیلمساز سوئیس، یکی از متخصصان تاریخ معماری است. او مدیر مجموعه «معماری جهانی» است که ۱۶ جلد از آن به ۷ زبان، توسط انتشارات «Office du livres» در فرانسبورگ (سوئیس) منتشر شده است. رساله مفصل او شامل متن و تصویرهایی درباره محوطه باستانی آنگکورین توسط همین نگاه انتشار یافته است. وی همچنین با همکاری برنارد ف. کروسلیه پت سلسله برنامه‌هایی درباره آنگکور برای تلویزیون سوئیس تهیه نموده است.

آنگور سابق: ۱۰۰۰ کیلومتر مربع، ۱۵۰/۰۰۰ تن برنج، ۸۰۰/۰۰۰ جمعیت

معماری خمر ادامه یافت.

در قرن هشتم، پس از تقسیم جن-لا به دو امپراتوری - که ماجرای آن هنوز روشن نیست- شاهان از پیشرفت هنر در دست‌نویس. در این عهد، جاوه در مائزی وهند زمین بسرعت نفوذ یافت. و این تأثیرات جاوه در تمام بینشایی که بعدها باعث شکستگی آنگور شد، بخوبی محسوس بود.

ولی رونق معماری خمر در پایان دوره کمون کورن، واقع در ۵۰ کیلومتری شمال شرقی دریاچه بزرگ کامبوج تحقق پذیرفت. کورن از آن پس پایتخت کشور شد؛ گویی پادشاهان احساس کرده بودند که سرنوشته خمرها از آن پس در قلب کشور تعیین خواهد شد و نه در دلتای جنوب مانند اولشالو، یا در شرق مثل سامبور...

طی سالیانی ۸۰۰ تا ۸۵۰ هنری بریزی شد که در رولوتوس، در منطقه آنگور پترومه کمال رسید. در واقع در رونگ-شن واقع در منطقه کورن نخستین معابد کوه‌مانند ساخته شد و این نوع بنا مشخصه تمام معماری خمر است. این معماری جاسل اختلاط دو شکل است که توسط جاوه‌یی‌ها از هند به آنجا منتقل شد. یکی Stupa (سوی تپه مصنوعی) که

مصالح سخت توأم بود، به آنکه در دلتای باساک، در پایین رود مکنونگ پایتختی به نام اولشالو وجود داشته است. در قرن سوم میلادی، این شهر دارای محصن مستطیل‌شکل به ابعاد ۳۰۰۰ × ۱۵۰۰ متر، بود و در آن پنج برجستگی رویهم قرار گرفته، خاکری با خندق گرداگرد آن، قرار داشت. ظاهراً معابد این منطقه (که چینی‌ها در آن زمان، آنرا فونتان می‌نامیدند)، با مصالح سبک، چوب و گاه ساخته شده بودند و تا روزگار ما نوام نیاورند.

در میان نخستین بناهایی که ما می‌شناسیم، باید از معابد شهر سامبوریره‌یی کوه در کامبوج نام برد که هر ضلع سخن آن ۲ کیلومتر طول داشته است. اهمیت بناهای این پایتخت قرن هفتم که امپراتوری واحد جن-لا را به زیر فرمان داشت، از همان نگاه اول، جلب توجه می‌کند. مثلاً معابد آجری که در فضاهای بزرگ مربع‌شکل قرار گرفته‌اند.

این معابد دارای سقف بسیار بلندی هستند که طبق قاعده‌گندهای غربی ساخته شده‌اند و نمای کشیده آنها نتیجه رویهم‌قرار گرفتن طبقه‌هایی است که بتدریج کوچک می‌شوند و هریک از طبقات معبدی در مقیاس کوچکتر است. و این شیوه ساختمانی بعداً در همه

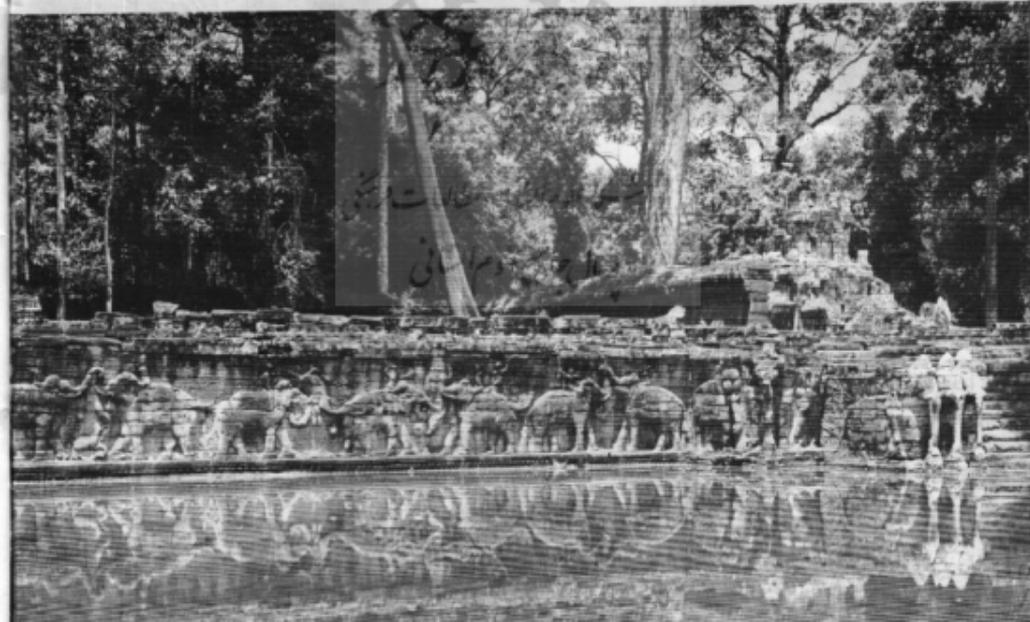
بوداییان برای زیارت به دور آن می‌گردند و نمونه کامل آن «برویودوره است»، و دیگری معبد بودایی چند طبقه، یکی از انواع شکل‌های هندی که مثلاً در ممالی بورام دیده می‌شود و از طریق معابد دکنینگ یا «برامیان» در جاوه، به آنجا راه یافت.

بدین ترتیب معبد کوه‌مانند، نوعی Stupa است که یک معبد چهار گوش بر روی آن قرار گرفته است و سقف آن از طبقات کوچکتری تشکیل می‌شود، و نمایی است از جایگاه خدایان، که طبق اساطیر هندو، بر روی کوه مرو Merous ساخته شده است.

در ابتدای قرن نهم، آک‌یوم در شمال غربی آنگور، اقدام دیگری از این نوع محسوب می‌شود. این بنا از آثار «جایاوارمان دوم» پادشاه خمر است که زمانی دراز در دیوار سایلندره در جاوه مقیم بود و مقر سلطنت را کاملاً به منطقه آنگور منتقل کرد.

لیکن با ساختن «رولوتوس» در جنوب شرقی آنگور، توسط پادشاهی بنام «اینندرا-وارمان» (۸۸۹ - ۹۷۷) شیوه‌های خاص خمر بوجود آمد. برای نخستین بار آسان هند و چینی به این اکتفا نکرد که برای استفاده بیشتر از باران فصل پادشاهی موسمی، قنات حفر کند،

Photo © Luc Ionesco, Paris



در پای معابد، اعجازهای سیستم آبیاری

اما این شیوه که برای ایجاد محیطی مصنوعی و کاملاً تحت تسلط انسان، بکار می‌رفت، بعدها در ساختمان شهرها نیز مؤثر افتاد. طرح این شهرها دقیقاً بر اساس خطوط عمود برهم تنظیم می‌گردید که نقطه اوج و قله آن، معبدی در قلب شهر بود.

چرا که در سرزمین خمر همه چیز هم-آهنگ است، از دیوارهای کنار شالیزار دهقان کامبوجی گرفته تا معبدهایی که دارای سه صحنه‌اند و خندق پیرامونشان به تأسیسات مخصوص آبیاری متصل است....

شهر رولونوس، نخستین پایتخت زنده منطقه آنگکور این حقیقت را بر ما آشکار می‌سازد. «اینندرا وارمان» به ساختمان بازی لولی «Lolei» بسنده نکرد. او در ۸۸۱ معبد کوه‌پیکر با کوک را ساخت که در وسط شهری به نام هاری‌هارالایا قرار داشت. این بنا مرکب از ۵ ایوان یا ۵ سطح صافی است که رویهم قرار گرفته‌اند و تقریباً مربع‌شکل هستند. در بنای این ساختمان سنگ خارا رفته‌است. ابعاد آن در سطح زمین ۶۵ × ۶۷ متر، و ارتفاع آن ۱۵ متر است. که پایه‌ی عظیم برای معبد اصلی محسوب می‌شود.

۱۲ معبد وابسته به آن، به شکل ماهواره در اطراف طبقه ماقبل‌آخر قرار گرفته و ۸ برج بزرگ (Prasat) آجری در اطراف این هرم، درون صحنی به وسعت ۱۲۰ × ۱۶۰ متر ساخته شده‌اند. خندقی به عرض ۶۰ متر و محیط ۱۵۰۰ متر بدور تمام این مجموعه کشیده شده است.

شهر در بیرون این خندق قرار داشته، و کلبه‌های پوشالی و گاهی آن به علت بارانهای فصل، بادهای موسمی، روی پایه‌های بلند ساخته می‌شده است. به دور این شهر، خندق دیگری به عرض ۲۲ متر حفر شده و چهارگوشی را بوجود می‌آورد که هر ضلعش ۸۰۰ متر طول داشته است. جمعیت این شهر در حدود ۷ تا ۸ هزار نفر بوده است. راههایی به شکل محور، سدها و دیوارهای گلی را قطع می‌کرده‌اند و به معبد مرکزی منتهی می‌گشته‌اند و بدین ترتیب شهر را به چهار بخش تقسیم می‌کرده‌اند.

از آن پس مجموعه خمر بوجود آمد، به این معنی که یک بارای به خندق شهر که در مرکز آن معبد سلطنتی به شکل معبد کوه‌پیکری برافراشته شده بود، آب می‌رساند. این مجموعه دستگاه پیچیده‌ی را تشکیل می‌داد که کار آن، چه از نظر فنی و چه بلحاظ خرافی - مذهبی، باعث شکفتگی جامعه‌ی کشاورزی و منگی بر بهره‌برداری مطلق از برنج شد. چنین است رمز معادله خمر، و هنگامی که ابعاد تأسیسات رولونوس در آنگکور، در شهرهای

محصور یا شودارپورا، و بعدها در آنگور توم، چهار، پنج برابر وسعت یافت، باز همان شیوه کار ادامه داشت.

معماری نقش کامل کردن تأسیساتی را بازی کرد که برای آبیاری در نظر گرفته شده بود. معبد به علت حضور خدایان به شکل بت، در جایگاه مخصوص خود، این اثر فنی را حمایت و متبرک می‌کرد. زیرا معبد خمر چه به خدایان هندی یعنی شیوا، ویشنو یا برهمن اختصاص داده شده باشد و چه (در پایان دوره آنگور) به «بودا-شاه» یا نماینده مرکز جهان یعنی کوه مرو است که خدایان در آن بسر می‌برند (مثل معبد خدایان یوتانی در کوه المپ).

طرح مربع‌شکل آن با تقسیمات هندسی بصورت یک ماندالا «Mandala» (طرحی درون گرا که مبدا هندی دارد) درآمده بود که همه جا را دربرمی‌گرفت؛ معبد را - که بدین ترتیب با قوانین کیهانی هم‌آهنگی می‌یافت، شهر انسانها یعنی پایتخت سلطنتی را - که بدین ترتیب، مرکز جهان تلقی می‌شد - و تمام دشت آنگور را که به همین مناسبت به خدایان اختصاص یافته و توسط راههای عمود بر یکدیگر که از معبد شروع می‌شدند و چشم‌اندازشان در سرزمین خمر، تا بی‌نهایت ادامه می‌یافت.

این تقارن دوگانه در ساختمانهای دوطرف هریک از راههای عمود برهم که به معبد مرکزی ختم می‌شدند، قانونی اساسی در ترکیب معابد، در تمام کشورهای تحت نفوذ هند محسوب می‌گردد. ولی این تأثیر در هیچ‌جا مثل کشور خمر، بدین‌سان در بناهای مقدس و شهر و تمام کشور مشهود نبوده است.

این دید کلی از سمبولیسم و مؤثر بودن آن از نظر خرافی - مذهبی، با نقشهای عملی بارایها و شبکه آبیاری توأم است که خود نشانه نبوغ خمرهاست. از این درک حیرت‌انگیز همه‌جانبی که تمام جنبه‌های آفرینش بشری را بهم می‌آمیزد، بعدها قله شکوه و جلال یعنی آنگور وات بوجود آمد.

در این چشم‌انداز، یکی از عوامل مؤثر در شخصیت یافتن هنر خمر را که آنرا از هنر هندی مجزا می‌کند، نباید از نظر دور داشت و آن معماری عامیانه است که ویژه کامبوج قدیم است، به خصوص بناهای چوبی که روی پایه‌های بلند می‌ساختند و سقف هر می‌شکل آن را با گاه می‌پوشاندند. ظاهراً این معماری بومی یادگار دوران ماقبل تاریخ است و از بناهای دوره نوسنگی (نئولیتیک) پیش از نفوذ هند، تمیز داده نمی‌شد.

این هنر عامیانه که تظاهر آن را در نقشهای برجسته خمر می‌بینیم (بویژه در آنگور وات و بایون)، تعیین‌کننده اشکال خاص



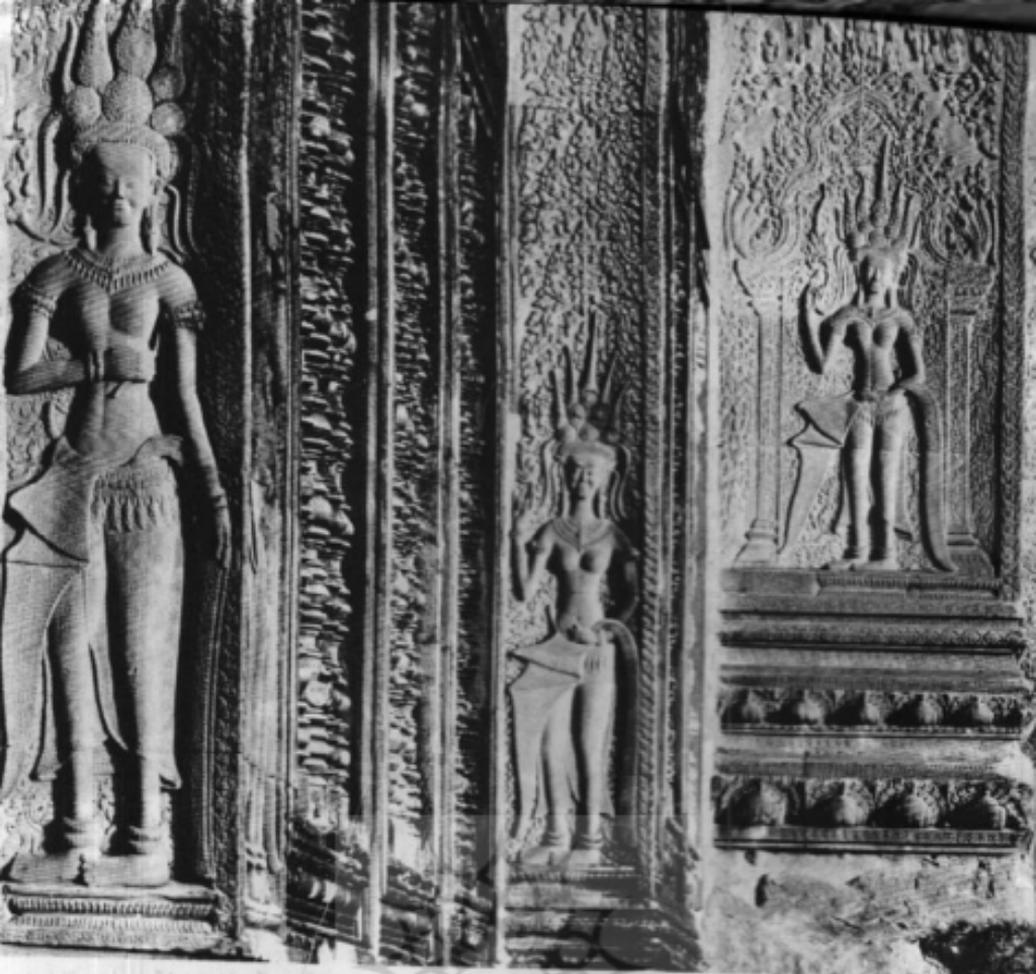
Photo © Henri Stierlin, Geneva

خدایان آنگور وات

و مشخص معماری آنگور است. تأثیر این معماری را در یک سلسله از کارهای سنگی مشاهده می‌کنیم که عبارت است از انتقال اشکالی که در اصل با چوب ساخته شده بودند و سپس روی سنگ منتقل گردیدند.

این مورد را مثلاً در طارمی‌های برگشته پنجره‌ها می‌بینیم که از سنگ خارا است و بگونه ستونهای چوبی و فاصله‌دار کلبه‌هاست. یا در پوشش بامهاست که دیوارهای متقاطع دارند و تجلی فن و شیوه نجاران در سنگ است، با در ستونهای کوتاهی که در حاشیه برخی خیابانهای مرتفع قرار دارند و یادآور گذرگاههای قدیمی ساکنان نزدیک دریاچه بزرگ است که از خانه‌های چوبی به رودخانه راه داشت، و یا بالاخره در زیانه چهارچوب درها و پنجره‌ها و غیره.

همه این عناصر از مشخصات هنر خمر



این نمک از چندین لحاظ جانب توجه است. نخست بدلیل آنکه باستاند از یک جنس بزرگ «الاهه کتیبه» چشما لغز فشرده‌یی از سطوح متعدد چندین دیوار، به وسعت سی متر تا در کنار هم شکل می‌دهد که در دالان بزرگ آشکورات قرار دارند. این دالان که بدخل بزرگترین و دست‌نخورده‌ترین معابد آنکور را تشکیل می‌دهد، توسط پادشاه بیان گلمار شس، سوری‌اوارمان دوازدهم و در زمان حیات بنا گردید تا در آن به مقام خدای برسد آسمانی که نامش در سنگ‌نوشته‌ها در آنجا درج شده و بر طبق رسوم باستانی مصر برهنه‌اند، ملائک آسمانی موسوم به «آسماره» یا خوانده‌اند که بوجوب‌ساختن بوندایی برای لذت خدایان و فدایین آفریده شده‌اند.

چاودانه‌یی به خدایان چاودانه بدخند، بزودی دارای سفلی شدند که در آن، قوس‌های مفرس از سنگ خارا، جای استخوان‌بندی چوبی و سفال را گرفتند.

بالاخره از نظر زینتی، در دوره کلاسیک توجیی خاص به‌کمال مطلوب می‌شد و استفاده از تراش سنگ نیز به بهبود کیفیت مجسمه سازی کمک می‌کرد، یکی از نخستین آثار واقعاً کلاسیک در این جهت، معبد «پانته آی‌سری» در بیست‌کیلومتری شمال آنکور است.

این کوهر گرابها بطرز ویژه‌یی هم ساخته شده است، زیرا به بصورت یک معبد کوه‌مانند، بلکه به‌شکل معبدی سطح است که صحنای تنوالی آن صرف گسترش افقی دالاهای نعلی است که از مشخصات معابد همی‌شکل است. اما غنای معجز آسای تزئینات این یادگار کوچک، بویژه باعث شگفتی است. همه در صفحه بعد

آسمانی معماری کلاسیک هم، همی دالاهای محصور گشته است، می‌توان در طول زمان مشاهده کرد. بتدریج فضای آزاد بین تالارها از میان رفت و بدین ترتیب شیولی خارجی دالان با دیواره صحن هر طبقه یکی شد، در ده‌های محوری (که به‌اسم هندوآتش‌کوب‌وراه مشهور است)، و نیز برجهای گوشه‌یی، داخل این ترکیب شدند. این صحنهای مختلف و متحد المکز، در فسن نماینده رشته کوه‌هایی است که جهان انسانها را در میان گرفته است و اقیانوس اولیه‌یی که گرده‌آورد این کوه‌هاست، در اینجا توسط خندق حاشیه شهر محصور شده است.

و بلاعاط فنی نیز پیشرفت مخصوص بود، به این معنی که به دنبال جریان کلی سنگی کردن عناصر در معابد «مادانکا‌های» که با آجر یا سنگ‌های تراشیده ساخته شدند - تا مصالح

است و به‌بجوجه ربطی به‌اشکال هندو ندارد، بدین‌ترتیب معماری مصر در عین حال که از سرچشمه‌های ویژه خود سیراب می‌شد، از مجموعه عناصر تجسمی هند نیز مدد می‌گرفت.

هر چند سمبولیسم در اثر ایندراوارمان، در زولوئوس (معبد کوه‌مانند یا کونک) فراوان است، لیکن هنر معماری همچنان به پیشرفت خود ادامه داد و پیچیده‌تر شد و در عین حال همگی بیشتر و کیفیت بهتری نیز کسب کرد. مثلا تعداد بناهای طویل اطراف معبد با کونک در دو طرف راه‌های محوری، از آن پس بیشتر شد و حتی جای پلکان معابد کوه‌مانند را گرفت.

این تالارهای دراز، بزودی محیط خارجی طبقات هرم را کاملا اشغال کردند. این جریان ساده‌گرا و تیوغ‌آسا را که (در معابد قبسه-آنا کاسوتا کتا) بوجود آورده یکی از عناصر



شاهکاری از تعادل زیستی (بقیه)

شده است. علیرغم آرامش و لطافتی که در آن هویداست، چنان نیرویی در کیفیت، چنان جادویی از طرافت و زیبایی، و چنان المپتتان و تسلطی در اینجا احساس می‌شود که بی‌حک باید آفرآ جزء یکی از بزرگترین شاهکارهای هنر خمر دانست.

این معبد کوچک که در ۹۶۷ ساخته شده، کاملاً مملو از خدایان، فرشته‌ها و نگهبانان است که با طرافت کامل در سنگ خاری سورئال رنگ حاک شده‌اند. وحتى کوچکترین سطح سنگی آن نیز با طرافت بی‌نظیر تزئین شده است، چنانکه پیچیدگی این تزئینات بازتابی از فراوانی و انبوهی جنگل پیرامونش شمرده می‌شود...

با ساختمان معبد بزرگ آنگکورات که در زمان مشهورترین و افتخارآمیزترین پادشاهان خمر، سوریاوارمان دوم (۱۱۵۰ - ۱۱۱۳) بنا گردید، معماری خمر چه از حیث استحکام و فضاها و چه بلعاط کیفیت بنا، به اوج خود رسید.

خود معبد به معنای اخص کلمه، یک معبد جنگلی حقیقی است که همزمان با بناهای بزرگ گوتیک، شارتر، سانس و نتردام پاریس

متر آغاز می‌شود که تا دیوار معبد امتداد یافته است و قسمت اصلی معبد روی پایه بلند قرار دارد که منقش به تزئینات برجسته است و ۵ برج سنگی به شکل تاج مطلق مشرف برآیند. جناحهای دالان بزرگ گرداگرد بنا بطورقرینه قرار گرفته‌اند و از طریق دو ردیف ستونهای سنگی، که ابعاد آن ۲۱۵ × ۱۸۷ متر است، به‌خارج باز می‌شوند. روی دیوارهای داخلی این دالان مجموعه خاکی‌العهاده‌سی از نقوش برجسته وجود دارد که تمام محیط ۵۰۰ متری معبد را می‌پوشاند. این نقوش، گزارش از وقایع امپراتوری و در عین‌حالت یک اسطوره محسوب می‌شود.

با پیشروی در راه محوری، به‌مجموعه‌یی می‌رسیم که گره تمام معماری کلاسیک آنگکور محسوب می‌شود. یعنی به‌صحن سر پوشیده سلسی. این صحن سلسی‌شکل با چهار محوطه کوچک که توسط راهبای سرپوشیده از هم جدا شده‌اند. دالان نقوش برجسته را به‌دالان صحن دوم متصل می‌کند.

در این صحن سرپوشیده سلسی‌شکل برای نخستین‌بار فوسپایر سفالی دیده می‌شود که بر روی چهار ردیف ستون قرار گرفته‌اند و

بوجود آمده است. آنگکور وات یکی از بزرگترین و زیباترین معابدی است که در شبه‌جزیره هند وچین ساخته شده‌است. خندق کنار آن که به تقریب ۲۰۰ متر پهنا دارد، مستطیلی است به ابعاد ۱۳۰۰ × ۱۵۰۰ متر، و مساحتی در حدود ۲ کیلومتر مربع - یعنی بزرگتر از مساحت یک شهر امپراتوری روم مثل «تیم گاد» را دربر می‌گیرد! این معبد در مرکز یک مجموعه شهری قرار گرفته است که از آن، امروزه چیز بناهایی که با مصالح سخت ساخته شده‌اند، چیزی بر جای نمانده است. در آن زمان جمعیتی بین ۱۷۰۰۰۰ و ۲۰۰/۰۰۰ نفر در آن پسر می‌برده است.

در قسمت غربی خندق که طول محیطش به ۵/۵ کیلومتر می‌رسد، سدی قرار دارد که راه ورودی از روی آن می‌گذرد. این راه به مدخل بزرگی به طول ۲۳۵ متر که به سه‌دور، یا کوپورام تقسیم شده است، منتهی می‌گردد. این مجموعه وسیع و جلوساده، که مدخل اصلی را تشکیل می‌دهد، قرینه‌یی است از نمای اصلی معبد که پس از عبور از این راه ورودی پرشکوه، ظاهر می‌شود.

از اینجا راه محوری جدیدی به‌طول ۳۵۰



غولپا و هرمپا

در سمت راست، ماهابا (یا ناز) اجناعات قبل از عبادتگاه) معبد «دانه آبی سرخ»، گوه جنگل آنکور دیده می‌شود (پهلو ۴ هجری قمری). این بنا در با قوسهای آجری را تکلیفان اسطوره‌ای محافظ می‌کنند که عبارتند از نولهای با پیکره انسان، در مقابل پلکان ورودی، و اسبابهای با سر میمون در نو طرف بنایی که از سنگ خاری صورت رنگ ساخته شده و سرشار از خنای تزیینی است. تصویر بالا، منظره هوایی نمایی «پهلو باستان» است که معبد کوهمانندی با ۱۰۹ برج بود و بر روی یک بلندی طبیعی، مابین آنکور و آنکوروات قرار داشت. این معبد در قدیم، مرکز ریاضت پاسوارمان بود و توسط این پادشاه در حدود سال ۹۰۰ تا گردید. این معبد با ارتفاع ۱۴ متر، هر بلای ۵ ایوان پلکانی را ارائه شده است و در اطراف آن عبادتگاههای برج‌مانند (پاراساتها) در چهار زاویه قرار گرفته‌اند.

معنی که هنری موجود آمد که در آن، مرز بین مجسمه‌سازی و معماری از میان رفت. بر برجهای بناها، چهره‌های عظیم و برجسته‌ی نقش بست که در عین حال نامی‌شگر بودا ساکیا بودی (حکیم گولاما) و جایاوارمان مضمون بود. بدین ترتیب انقلاب عمیقی هم در قلمرو مذهب و هم از نظر شکل، صورت گرفت. پادشاه از همان ابتدا یک معبد بنا کرد که همان مجموعه تارپروم (Ta Prohm)، باسختی به ابعاد ۶۰۰ × ۱۰۰۰ متر بود، خود معبد به معنای احسن کلمه طبق طرحی ساخته شد که بعدها هم در زمان سلطنت همین پادشاه، سر مشق ساختمان سومعه‌های بودایی پشمار رفت. این طرح از نظر اصولی، همان طرح معابد مسلط است - که پیش از این در «دانه آبی سرخ» دیده بودیم - ولی حسنتی از این پس نه تنها با دیوار، بلکه با دالانهای متحدالمرکز محیطی محدود شدند. بدین ترتیب همانندی تدریجی هرمپا و دالانهای محیطی کاسلا تثبیت شد و همان سبب سلیس معابد کوهمانند، در معابد مسلط هم باقی ماند.

معبد «پهرا» با خندقی به عرض ۴۰ متر و به ابعاد ۱۰۰۰ × ۷۵۰ متر، شایع بسیاری به شدت در صفت ۴۰

عبادتگاه مرکزی که بر چهار مدخل پیش آمده تکیه دارد. محیط صحنی ۴۶ متر بالا می‌رود و قلعه آن نسبت به محیط رخت آنکور، ۶۵ متر ارتفاع دارد و از آنجا پوشوج، مانند لای عظیمی را می‌بینیم که این مجموعه ساختمانی موجود آورده و تصویر است از کاخ آسمانی که خدایان در آن زندگی می‌کنند.

پس از مرگ سوریوارمان دوم (در حدود سال ۱۱۵۰)، هسایگان خمرها یعنی دکام‌ها از عروج و مرجع امپراتوری که گرفتار گردنکشی - های «برگان» و کشمکش آنان بود، استفاده کردند و با گستاخی به آنکور حمله بردند و در ۱۱۷۷، آنها را آتش زدند. جایاوارمان هفته دوباره قدرت خمر را احیا کرد او مهاجران را بیرون راند و در ۱۱۸۱، بعنوان پادشاه آنکور تاجگذاری کرد و به‌تدریج به تجدید بنای شهر همت گماشت. این پادشاه، از آیین هندویی که پیشینیان از آن پیروی می‌کردند، دست‌شست و به آیین بودا گروید. از آن پس سبکی کاملاً تازه و در ارتباط با یک شیوه عجیب و خیره‌کننده باروک «Baroque» پدید آمد. در آیین سبت، دقت و قدرت کلاسیک آنکوروات جای خود را به مضمونی بی‌سابقه از فضا و حجم داد، به‌این

یک محراب مرکزی متکی به دو محراب کاری را بوجود می‌آورد. گرداگرد این بنا حوائی و سرشار از طرافت، با نقوش کاملاً برجسته ترین شده‌اند که گوییم صحنه‌هایی است از رقص دوانها و آهسارها (خدایان مؤنث هندی). برای عبور به طبقه دوم، سه دالان بیوزارت این صحن سر پوشیده وجود دارند که توسط سیستمی از قوس‌های منطبق که در هم قرار گرفته‌اند، همراه پلکان سروپوشیده، بالا می‌روند. ایوان گرداگرد طبقه دوم فقط توسط پنجره‌های طازمی‌دار به داخل باز می‌شود. این صحن دوم به ابعاد ۱۰۰ × ۱۱۵ متر، دارای زیر بنای عظیمی به ارتفاع ۱۴ متر است که ۵ برج معد برهه آن قرار گرفته‌اند.

این سومین طبقه معبد کوه مانند نیز از یک دالان سروپوشیده عبور تشکیل شده است. ولی پنجره‌های طازمی‌دار آن به‌سوی خارج باز می‌شوند. در حالی که ستونهای، مدخلیایی به محوطه‌های کوچک داخلی را بوجود می‌آورند. عبادتگاه مرکزی که چهار برج زاویه‌ای در اطراف آن قرار گرفته‌اند، از طریق راهروهای سر پوشیده و پایه‌داری به ایوان و صحن سروپوشیده صحنی شکل متصل می‌شود.

در زیر، «برجهای منشا» با یون دیده میشوند که جذایت خاصی دارند و از عجایب معماری قرون ۱۲ و ۱۳ بشمار میروند. این برجها در ضمن آنگور توو واقعاند. هر یزولونی نویسنده فرانسوی که بسال ۱۹۰۹، از آنگور دیدن کرد، چنین نوشت: «از بالای آسمان، این چهار جبهه‌ی که هر یک از برجها داشت، چهار جهت اصلی را نگاه می‌کردند، و همه با بلک‌های بسته، دارای یک حالت ... و یک لیخت بودند، آنها به نحوی حیرت‌انگیز، حضور خدای آنگور را در همه جا تأکید و تکرار می‌کردند.»

Photo © Luc Jansco, Paris



در چهار گوشه جهان

ونیز اعجازآمیز

کتاب بسیار جالبی به نام «ونیز اعجاب آمیز» به تازگی منتشر شده است. این کتاب به نفع اقدام و فعالیت یونسکو برای رهایی این شهر آدریاتیک که در معرض خطر آبپاست، و نیز به نفع کمیته فرانسوی برای نجات کلیسای «سالوت» که در قرن هفدهم بنیاد شده است، بفروش می رسد. محتوی کتاب که نوعی یادآوری سرگذشت مانند تاریخ و رسوم ونیز است، توسط سوفی مونره، مأمور مؤسسه لورر نوشته شده و با ۱۲۰ تصویر عالی هنری از قرون ۱۷ و ۱۸ و تابلوهایی از ویستلر، نقاش آمریکایی، همراه است. مقدمه این کتاب بقلم زنه هونیک، عضو آکادمی فرانسه و رئیس کمیته کارشناسان ونیز تنظیم شده است. هر یک از نسخ کتاب که بطریقی بسیار جالب و با جلدی نفیس صحافی گردیده، شماره گذاری شده است. این

کتاب به بهای ۱۸۰ فرانک به فروش می رسد و توسط انتشارات Michel de l'Ormeriaie انتشار یافته است. آدرس: 20. Rue Delambre, Paris 14 e

ژاپنی ها یونسکو را خوب میشناسند

طی يك بررسی افکار عمومی در مقیاس کشور، برای تمیین اینکه مردم ژاپن از سازمان ملل متحد، مؤسسات مربوط به آن و فعالیتهای هر یک از آنها چه می دانند، معلوم شد که یونسکو را بیش از تمام مؤسسات اختصاصی وابسته به سازمان ملل متحد می شناسد و در این بررسی که سال گذشته، به درخواست انجمن ژاپنی طرفدار سازمان ملل، توسط دستگاه نخست وزیری انجام شد، افراد بالاتر از ۲۰ سال به طور اتفاقی مورد سؤال قرار گرفته بودند.

نتایج بررسی اخیراً در شماره مخصوص بولتن انجمن ژاپنی طرفدار سازمان ملل که به مراسم بزرگداشت بیست و پنجمین سالگرد سازمان ملل اختصاص داده شده بود، منتشر گردید. این نتایج حاکی از آنست که ۶۶ درصد از افراد مورد پرسش، با یونسکو و فعالیتهای مختلف آن آشنا هستند.

جمهوری خلق چین

در یونسکو

روز ۲۹ اکتبر ۱۹۷۱، شورای اجرایی یونسکو تصویب کرد «که از این تاریخ، حکومت جمهوری خلق چین تنها نماینده قانونی چین در یونسکو است» و «از مدیر کل سازمان ملل دعوت کرد تا برطبق این تصمیم عمل کند». این تصمیم با ۲۰ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع اتخاذ گردید.

شاهکاری از تعادل زیستی (بقیه از صفحه ۱۳)

تاییها «Thais»، آخرین پادشاهان تاج و تخت خمر را حفظ کردند. سپس در اواسط قرن پانزدهم، شهر متروک شد. زیرا لطام ناشی از جنگ و ویرانیها، آهنگ جریان آب در تأسیسات بزرگ آبی دشت آنگور را دستخوش تغییر ساخت. آب که سابقاً سرشار از رسوب و لای بود، شفاف شد و مالاریا ظاهر گشت.

گویی تمام دستگاه آنگور که باعث غنا و رفاه و قدرت مردم خمر شده بود، به نفرین دچار آمد و از حرکت باز ایستاد. تب و مالاریا، مردم بی سرپرست را واداشت تا شهر بزرگ خود را که دیگر بی فایده و بلاخیز شده بود، ترک کنند. آلودگی، امپراتوری عظیمی را از پای در آورد....

اگر قرار باشد از آثار خمرها طی چهار قرنی که تمدنشان در آنگور باوج خود رسید، ترازنامه‌یی تهیه شود، باید در نظر داشت که برنج و معبد، حلقه‌های دو سر زنجیر واحدی از پدیده‌ها هستند که عمران این منطقه را تحت تأثیر خود داشته‌اند. تعادل محیط زیست، روشنایی بخش هنر است. ■

هانری اشتیرلن

اساطیر هندی است، و آن بهم زدن دریای شیر است که خلقت جهان را نشان می دهد و در بالای این صحنه اسطوره‌یی دروازه شهر، چهار پیکره قرار دارد که هر یک چهره‌یی جداگانه دارند و تصویر عظیمی است از بودا شاه که نگاهش چهارجهت را می پیماید و خود بر جهان حکومت می کند.

اوج تمامی این هنر تمثیلی در بنای خارق العاده بایون دیده می شود که شاهکار جایاوارمان هفتم است. این بنای کاملاً جدید، سرشار از معناست، چرا که از آن پس مذهب بودا در سرزمین خمر اشاعه یافت.

چنین است پیام بزرگ و پرهیجان آخرین پادشاه بزرگ خمر، با این اثر، معماری از حد خود فراتر رفت و تمایز بین بنا و مجسمه را از میان برداشت و نقش طرح عرفانی را باره آشنایی با آن، توأم ساخت، و به برکت اینهمه است که انسان کلید جهان و دنیای خدایان را در اختیار دارد.

طی قرن چهاردهم، علیرغم حملات مکرر همسایگان پرشور و شر و جنگاور خود، یعنی

معبد «تاپروهم» دارد. اما ساختمان این مجموعه‌ها با شتاب و عجله و کیفیت پیش پا افتاده انجام گرفت، چه از نظر ساخت و چه بلحاظ تزئینات، که غالباً سست و بی شکل اند. در آثار زمان جایاوارمان هفتم، در همه جا شتابزدگی به چشم می خورد.

پایتختی که در حوالی سال ۱۲۰۰ ساخته شد و آنگورتوم (یا «شهر بزرگ سلطنتی») نام گرفت، نشان دهنده جهتی تازه در معماری آنگور است. از این زمان به بعد، مجموعه عناصر ویژه هنر شبه باروک در دوره ماقبل انحطاط امپراتوری خمر، شکل گرفت. صحن پایتخت جدید، سبک بی سابقه‌یی را از همان ابتدا، نشان می دهد. روی پنج سدی که در خندق ساخته شده‌اند، اثر جالب توجه جدیدی دیده می شود که «معبر غولها» است.

این، يك راه ورودی است که در هر طرف آن نرده‌های بلندی قرار دارد. این نرده‌ها به شکل ۵۴ غولی که يك ناگا (مار افسانه‌یی هند) را در دست دارند، ساخته شده است. این مجموعه عظیم استعاری، تمثیلی از يك مضمون مهم

لبخند خمر در معبد بایوان (بقیه)

می کند، نگران و مضطربیم. این اضطراب دائم ما در درجه اول برای آنگور است، و بعد برای موزه پنومپنه که باغیانی که از حیث جسمه‌های خمر دارد، استثنائی و بی نظیر است، و هم چنین برای سایر معابد خمر، و بالاخره برای بناهای ویتنام کنونی.

شکبایی بسیار و کوششهای دشواری بکار رفته تا بناهایی که بخش بزرگی از آنها فرو ریخته بود، دوباره ساخته شود و گاه در همان حالت پیشین خود حفظ گردد. و لحظه‌یی کافی

زیبایی آن تمام بشریت را غنا بخشیده است (و علاوه بر آن، منبعی برای جهانگردی است که فایده آن به همه می رسد). ما با تمام وجود خود، امیدواریم که پس از استقرار مجدد صلح (که بی تابانه خواهان آنیم و بالاخره به آن خواهیم رسید)، تمام این زیباییها، تمام این مجموعه‌یی که مطلقاً بی بدیل است... و چنین مورد علاقه ماست، محفوظ بماند. ■

فیلیپ اشترن